



# پاسخ به بیست پرسش برگرفته از «بحوث مع اهل السنة والسلفية» رضا استادی\*

از روزی که مباحث مربوط به امامت و معارف و اعتقادات شیعه - که ریشه در قرآن و تفسیر صحیح آن و گفته های رسول خدا و ائمه هدی (ع) دارند - تدوین شد، طبیعی بود که اهل سنت، پرسش هایی را از شیعه داشته باشند، همان طور که شیعه هم همواره، از اهل سنت، پرسش هایی داشته است.

اگر طرفین، آداب بحث و گفتگو را - که مهم ترین رکن آن، انصاف در مباحثه و حق پذیری است - رعایت می کردند، به طور حتم، امروز وضع مسلمانان از نظر اعتقادات، طور دیگری بود؛ اما متأسفانه باید گفت که شیعه، در این بُعد هم (مانند مولایش امیر مؤمنان)، مظلوم واقع شده و در طول تاریخ هدف تهمت ها، دروغ ها و بی انصافی ها قرار گرفته است.

در عین حال، دانشمندان و رجال علمی و فکری شیعه، به منظور روشنگری و راهنمایی گمشدگان، قدم های بسیار مؤثری برداشته اند و به یک یک سؤال های اهل سنت، پاسخ قانع کننده داده اند. از باب نمونه، از متأخران، می توان به کتاب های

ارزنده مرحوم سید شرف الدین، کتاب وزین الغدیر علامه امینی و کتاب عبقات الانوار میرحامد حسین و ده ها و صدها کتاب دیگر اشاره کرد و از قدما و مشایخ مکتب تشیع، کتاب الشافی سید مرتضی و تلخیص الشافی شیخ طوسی و الفصول المختارة و امثال آنها را می توان نام برد.

اما برخی از اهل سنت و جماعت، روز به روز، دایره و دامنه نسبت های ناروا را گسترده تر کرده، به طبل اختلاف و تفرق، محکم تر کوبیدند. به هر حال علمای شیعه در سنگر پاسخ به سوالات و دفاع از کتب اهل بیت (ع)، همیشه آماده بوده و هستند.

مرحوم آیه الله حاج سید مهدی روحانی، یکی از این مدافعان خالص مکتب اهل بیت (ع) بود که روش شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی و نظایر آنان را برای دفاع مؤثر از معارف شیعه می پسندید؛ یعنی به پرسش هایی که با غرض یا بی غرض در مورد اعتقادات مذهب تشیع مطرح می شد، با استناد به عقل، قرآن مجید، احادیث قطعی الصدور و احادیث موجود در صحاح اهل سنت و یا کتاب های حدیثی قدیمی و معتبر آنان، پاسخ می داد. پاسخ های ما در این مقاله، جز یکی دو مورد، برگرفته از کتاب ارزشمند ایشان: بحوث مع اهل السنة والسلفية اند.

## ۱ - چرا شیعه، همه اصحاب رسول خدا را عادل و با فضیلت

### نمی داند؟

پاسخ: چون قرآن مجید، اصحاب رسول خدا را به چند گروه تقسیم کرده است: (۱) مؤمنان خالص با مراتب مختلفی که داشتند؛ (۲) مسلمانانی که هنوز ایمان در قلب آنان داخل نشده بود؛ (۳) منافقان که تعداد آنان، کم هم نبود؛ (۴) افرادی که قرآن، فسق آنها را اعلام کرده است.

و چون طبق حدیث قطعی، برخی اصحاب از همراهی با لشکر اسامه خودداری کردند و مورد لعن رسول خدا قرار گرفتند و نیز چون بر کسانی از اصحاب، به سبب



ارتکاب گناهان بزرگ، حدّ شرعی جاری شد و برخی حتی مرتد شدند و برخی در جنگ ها (مانند جنگ احد) فرار را بر قرار ترجیح دادند.

آیا با چنین وضعی، می توان همه اصحاب رسول خدا را عادل و با فضیلت دانست؟! یا همان طور که شیعه معتقد است، هر کس را باید در جای خود قرار داد و گفت: «افمن کان مؤمناً کمّن کان فاسقاً لا یستون»؟!<sup>۱</sup>

۲- چرا شیعه، عقیده جبر اهل سنت را که تا قبل از محمد

عبده، همگی به آن معتقد بودند، نمی پذیرد؟

پاسخ: زیرا هیچ فرق لفظی و معنوی بین این عقیده اهل سنت با عقیده مشرکان - که

خدای متعال در قرآن از آنان حکایت می کند - نیست. قرآن می فرماید:

وقال الذین اشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لا آباؤنا.<sup>۱</sup>

و شیعه می گوید: ترویج اعتقاد به جبر، ساخته و پرداخته معاویه و مروانیان است تا

مردم در برابر ستمگری های آنان، دم نزنند.<sup>۲</sup> شیعه می گوید: هر انسانی به بداهت عقل و

وجدان خود، می یابد که در اعمال خود، مختار است؛ می تواند کاری را انجام دهد و

می تواند ترك کند. روایت «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» از امام صادق (ع)، در

کتاب فریقین نقل شده است.

۳. آیا شیعه معتقد به تحریف قرآن مجید است؟

پاسخ: یکی از دانشمندان شیعه، فریب روایات وارد شده در کتاب های حدیثی و

تاریخی اهل سنت درباره کیفیت گردآوری قرآن مجید را خورده و تعدادی روایت منسوب به

امامان شیعه را نیز به آن ضمیمه کرده و به صورت کتابی درآورده که مورد اعتراض علمای

شیعه قرار گرفته است؛ زیرا روایاتی که از کتاب های شیعه نقل کرده، بر مطلوب او دلالت

۱. نحل، آیه ۳۵.

۲. ر.ک: الملل والنحل، الشهرستانی، ص ۷.



ندارند و این اهل سنت هستند که باید آتھام قائل بودن به تحریف قرآن را از خود، دور کنند؛ زیرا مثلاً آیهٔ رجم در صحاح سنۃ اهل سنت: صحیح البخاری (ج ۴، ص ۱۱۵ و ج ۸، ص ۲۰۹) و صحیح مسلم (ج ۵، ص ۱۱۶) و مسند أحمد (ج ۱، ص ۴۷) و نیز در سنن الترمذی، سنن ابی داوود، سنن ابن ماجه، و الموطأ مالک، یاد شده است.

بنابراین، شیعه قائل به تحریف نیست و منشأ یا یکی از علل مهم اشتباه برخی از دانشمندان شیعه را باید کتاب های اهل سنت و احادیث وارد شده در کتاب های آنان دانست.

#### ۴. چرا شیعه می گوید که قرآن، ظاهر و باطن دارد؟

پاسخ: علاوه بر مدارکی که در کتب شیعه هست، در کتاب الاتقان سیوطی (ج ۲، ص ۱۸۴) روایاتی دال بر این که قرآن، علاوه بر ظاهر، باطنی هم دارد، نقل شده است. یکی از آنها که از رسول خدا روایت شده، چنین است:

لكل آية ظهر و بطن...

پس این اعتقاد، از مختصات شیعه نیست و معلوم می شود آنان که این اعتقاد را به خیال خود از نقاط ضعف شیعه دانسته اند، از کتاب ها و روایات خود هم بی اطلاع هستند.

#### ۵. آیا ممکن است کسی معصوم باشد؟ و چرا شیعه به عصمت

#### امامان (ع) اعتقاد دارد؟

پاسخ: خداوند، به وسیله ارادهٔ حق و برهان، برخی بندگان خود را از افتادن در گناهان حفظ می کند و آنان به اختیار خود، از کارهای زشت و گناه، اجتناب می کنند. گواه بر این مطلب، آیهٔ کریمه مربوط به داستان حضرت یوسف (ع) است که:

ولقد همتت به وهمّ بها لولا ان رأى برهان ربّه كذلك لنصرف عنه السوء و

الفحشاء إنّّه من عبادنا المخلصين. ۳

از این آیه شریف، استفاده می شود که علت دور ماندن یوسف (ع) از فحشا این است



که او بندهٔ مخلص خدای متعال بوده است. پس این علت در هر که باشد، عصمت و حفظ از گناه هم محقق می‌شود. پس آیهٔ شریفه، امکان و تحقق عصمت را بیان می‌کند.

اما دلیل عصمت علی و امامان اهل بیت (ع) حدیث ثقلین، حدیث سفینهٔ نوح و آیهٔ تطهیر و ... است.

## ۶. آیا توسل و استغاثه به رسول خدا و اهل بیت او - که در

میان شیعیان رواج دارد - ، شرک نیست؟

پاسخ: قرآن مجید از زبان فرزندان یعقوب می‌گوید:

يا اباانا استغفر لنا ذنوبنا. <sup>۴</sup>

پس به پدرشان متوسل شده‌اند. نیز می‌فرماید:

جاؤوك فاستغفروا لله و استغفر لهم الرسول. <sup>۵</sup>

که از آن برمی‌آید رسول الله را وسیلهٔ خود قرار داده‌اند. حال، آیا می‌توان گفت قرآن

مجید، شرک را تجویز می‌کند؟!

برخی اهل سنت می‌گویند که این آیات، مربوط به زمان حیات یعقوب (ع) و رسول

گرامی اسلام است و توسل و استغاثه به آنان پس از مرگشان شرک است. این گفتار، شاهد

عدم دقت و کم سوادی آنان است؛ زیرا نمی‌توان گفت که توسل، شرک است و شرک، در

زمان حیات رسول خدا جایز و پس از رحلت او حرام است؛ زیرا شرک به هیچ وجه، قابل

تجویز نیست. پس معلوم می‌شود که توسل و استغاثه را شرک دانستن، اشتباه است.

## ۷. نذر برای ائمه - که در بین شیعیان رایج است - چه توجیهی دارد؟

پاسخ: اولاً نذر کردن برای پیامبر (ص)، میان اهل سنت هم هست؛ ثانیاً «نَذَرْتُ لِلنَّبِيِّ»

یا «نَذَرْتُ لِلإمام»، دو معنا دارد که اگر مقصود یکی از آن دو باشد، نذر باطل است و اگر

۴. یوسف، آیهٔ ۹۷.

۵. نساء، آیهٔ ۶۴.

دیگری باشد، نذر صحیح است و شیعه از نذر برای پیامبر و امام، معنای دوم را قصد می کند. توضیح این که اگر «لام» را متعلق به نذر بدانیم (یعنی کسی که می گوید: «نذرتُ للنبی»، همان معنا را از «لام» اراده کند که در «نذرتُ لله» اراده می کند)، این نذر، باطل است؛ اما اگر «لام» را «لام انتفاع» بدانند و مقصودش این باشد که نذر برای خدا و ثواب آن برای پیامبر (ص) است، مانعی ندارد؛ مانند این که نذر برای حجّاج به این معناست که نذر برای خداست و حجّاج از آن نذر، بهره مند می شوند.

۸. از رسول خدا نقل شده است که: «لا تشدّ الرحال إلاّ إلى

ثلاثة مساجد...»؛ یعنی شدّ رحال و مسافرت نمی شود مگر برای سه مسجد. پس چرا شیعیان برای زیارت قبور ائمه، مسافرت می کنند؟

پاسخ: «إلاّ» برای حصر است؛ اما حصر بر دو قسم است: حصر حقیقی و حصر اضافی، و در این حدیث، حصر اضافی مقصود است، و گرنه باید بگوییم که مسافرت برای غیر این سه مسجد، مطلقاً حرام است و کسی قائل به این نظر، نشده است. پس حدیث، دالّ بر این است که از میان مساجد، فقط برای سه مسجد، «شدّ رحال» مطلوب است و این حدیث، به هیچ وجه، متعرض مسافرت برای زیارت قبور انبیا و ائمه (ع) نیست.

۹. آیا این که شیعیان در نماز بر تربت امام حسین (ع) سجده

می کنند، شرک نیست؟

پاسخ: برخی گویا از فرط بی اطلاعی، میان «سجّد علی التّربة» و «سجّد للتّربة» فرق نمی گذارند. اگر شرک باشد، سجده برای خاک، شرک است و نه سجده بر خاک، و واضح است که شیعیان، برای خدا سجده می کنند و سجده آنان، بر خاک و تربت است، نه این که برای خاک سجده کنند.



۱۰. آیا این که شیعیان ضریح پیامبر و امام را می‌بوسند،

شُرک نیست؟

پاسخ: اگر بوسیدن ضریح، عبادت صاحب ضریح و شرک باشد، پس باید بگوئیم این که در میان اهل سنت رسم است که به خاطر احترام و تکریم، دست یا سر یکدیگر را می‌بوسند، نیز شرک است. اگر آنان بگویند که احترام و تکریم غیر از عبادت است، همین کلام و بیان درباره بوسیدن ضریح پیامبر و امام، مصداق دارد.

۱۱. این درست است که شیعه، علی (ع) را شریک خدا در بهشت

و جهنم می‌داند؟

پاسخ: این یکی از تهمت‌هایی است که برخی نویسندگان مغرض اهل سنت به شیعه زده‌اند. شیعه طبق روایتی که هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت آمده، علی (ع) را قسمت کننده بهشت و جهنم می‌داند، نه شریک خدا، و این مقام را خدای متعال به او داده است.<sup>۷</sup>

۱۲. آیا صحیح است که شیعه اعتقاد دارد: «حُبُّ عَلِيٍّ حَسَنَةٌ لَا

يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ»<sup>۸</sup>؟

پاسخ: این اعتقاد شیعه، مستند به روایاتی است که به همین مضمون، در کتب فریقین نقل شده است. مثلاً در کتاب الفردوس دیلمی از رسول خدا روایت شده:

حُبُّ عَلِيٍّ يَأْكُلُ الذَّنْبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطْبَ.<sup>۹</sup>

و وقتی ما می‌بینیم که سیوطی با سند صحیح در کتاب الجامع الصغیر از رسول خدا روایت کرده است: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي»<sup>۱۰</sup> و می‌دانیم کسی که رسول خدا را دوست

۷. رك: الصواعق المحرقة، چاپ ۱۳۱۲ ق، ص ۷۵.

۸. عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۸۶.

۹. كنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۳۱؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۹۸.

۱۰. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۴۴.



داشته باشد، محبوب خداست؛ پس چنین کسی از مصادیق این حدیث - که اهل سنت روایت کرده اند - می شود که:

إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا لَمْ تَضُرَّهُ الذُّنُوبُ. ۱۱

۱۳. یکی از نویسندگان متعصب، حدیث «النظر الی وجه علی

عبادة» را مستنکر دانسته است. نظر شما در این باره چیست؟

پاسخ: اولاً این حدیث در کتاب کنوز الحقائق مناوی که در حاشیه الجامع الصغیر سیوطی چاپ شده، موجود است. ثانیاً آیا بی انصافی نیست که عبادت بودن نگاه به صورت علی (ع) را که آینه تمام نمای خداست، مستنکر بدانیم، اما در کتاب های حدیثی

اهل سنت بخوانیم: «النظر إلى أهل السنة يدعو إليها وينهى عن البدعة عبادة»؟<sup>۱۲</sup>

این حدیث که بوی جعلی بودن از آن استشمام می شود، در کتاب مفتاح الجنة سیوطی (ص ۴۴) نقل شده است.

۱۴. آیا عقیده به «بداء» - که از اعتقادات شیعه است - مستلزم

جهل خدای متعال نیست؟

پاسخ: حقیقت «بداء» در نزد شیعه، «إبداء» است و «ابداء» به معنای «اظهار» است و مقصود، آن است که مثلاً پیامبر یا امام، به مقتضی انجام گرفتن حادثه ای علم پیدا می کند، ولی از مانع آن بی اطلاع است و احیاناً طبق مقتضی به وقوع مقتضا خبر می دهد. سپس خدای متعال، مانع را اظهار و ابداء می کند و او متوجه می شود که به سبب وجود مانع، مقتضا موجود نخواهد شد. از این ابداء و اظهار، به «بداء» تعبیر می شود و می گویند: «بدالله ...».

شیعه هیچ گاه به بدایی که مستلزم جهل خدای متعال باشد، معتقد نیست و قرآن و نهج البلاغه روانی دارند که کسی که به خدا و رسول او ایمان دارد، چنین جهلی را به خدای علیم نسبت دهد.

۱۱. ر. ک: مجموعة التوحید، ص ۴۴۰.

۱۲. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۱۴۱.





۱۵. آیا تقیه که در شیعه مجاز دانسته شده، یک نوع نفاق و

### دورنگی نیست؟

پاسخ: جواز تقیه، ریشه در قرآن مجید دارد که می فرماید:

لا يتخذ المؤمنون الكافرين أولياء من دون المؤمنين ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء إلا أن تتقوا منهم تقاة ويحذركم الله نفسه وإلى الله المصير.<sup>۱۳</sup>  
 من كفر بالله من بعد إيمانه إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان.<sup>۱۴</sup>  
 وقال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه ...<sup>۱۵</sup>

۱۶. چرا شیعیان در اذان و اقامه، «أشهد أن علياً ولي الله» را

### اضافه کرده اند؟

پاسخ: شیعیان، شهادت به ولایت علی (ع) را به قصد «جزء اذان و اقامه بودن آن» نمی گویند؛ چون در رساله های عملیه، یادآوری شده است که جزو اذان و اقامه نیست؛ اما از اهل سنت و خلیفه ثانی باید پرسید که به چه مجوزی «حیّ علی خیر العمل» را از اذان، حذف و «الصلاة خیر من النوم» را به آن افزوده است، با این که همه می دانیم و می دانند که خلیفه دوم، پیامبر نبود که حق تشریح این چنینی داشته باشد؟

۱۷. آیا درست است که می گویند شیعه، علی (ع) را با انبیای

### الهی مساوی می داند؟

پاسخ: قولی قوی هست که علی (ع)، از همه پیامبران، جز رسول گرامی اسلام، افضل باشد. شیخ مفید (ره) گفته است: گروهی از شیعیان، به طور قطع، ائمه اهل بیت

۱۳. آل عمران، آیه ۲۸.

۱۴. نحل، آیه ۱۰۶.

۱۵. غافر، آیه ۲۸.



را از همه انبیا بجز رسول اسلام، برتر دانسته اند و گروهی، آنان را از پیامبران غیر اولو العزم، بالاتر دانسته اند و گروه سوم، پیامبران یا برخی پیامبران را از ائمه افضل دانسته اند. در این موضوع، باید دید که ادله نقلی بر چه دلالت دارد؛ زیرا برای داوری عقل در این مورد، راهی نیست و نیز مسئله اجماعی نیست. <sup>۱۶</sup> البته قول اول، قوی و مستند است.

۱۸. این که شیعیان، گوسفند را برای غیر خدا ذبح می کنند،

شُرک نیست؟

پاسخ: اگر به کتاب های فقهی و رساله های عملیه علمای شیعه رجوع کنید، می بینید که ذبح حیوان برای غیر خدا تجویز نشده؛ بلکه یکی از شرایط حلال بودن حیوانی که ذبح می شود، بردن نام خدا در هنگام ذبح است

۱۹. آیا قسم خوردن به غیر خدا شرک نیست؟

پاسخ: کتاب های فقهی شیعه گواه است که در محکمه قاضی و برای داوری و قضاوت، سوگند به غیر خدای متعال، از نظر شیعه روا نیست؛ و اما در مورد این که برای تاکید بر مطلبی قسم به غیر خدا خورده شود، چه مانعی دارد؟ آیا هیچ کس احساس می کند که اگر ما به جان فرزندان قسم خوردیم، او را شریک خدای بی شریک قرار داده ایم؟! آیا کسی حق دارد به سلیقه خود، هر چه را خواست، شرک به حساب آورد و دیگران را بر اساس مبنای غلط خود، مشرک بشمارد؟ باید گفت: نفرین بر جهل! نفرین بر تعصب! و صد و هزار نفرین بر قلم های مسموم!

۲۰. آیا حدیث غدیر، متواتر است؟

پاسخ: ابن کثیر حنبلی در کتاب البدایة و النهایة گوید: «هنگامی که رسول اکرم از



حج خارج شده بود و به سوی مدینه باز می گشت، در اثنای راه، روز هجدهم ذی حجة الحرام، خطبه عظیمی خواند...». ابو جعفر محمد بن جریر طبری، صاحب تفسیر و تاریخ معروف، به این حدیث، اهمیت داده و طرق روایت آن و نیز الفاظ گوناگون آن را در دو مجلد، گردآوری نموده است. سپس ابن کثیر در کتاب البدایة والنهایة، چهل سند یا بیشتر برای «حدیث غدیر» یاد می کند و فقط هفت طریق آن را تضعیف می نماید و چون رسم ابن کثیر بر این است که اگر حدیث و یا طریق حدیثی را ضعیف بداند، یادآوری می کند، می فهمیم که آن سی و سه طریق دیگر، از نظر او ضعیف نبوده اند.

غیر از طبری (که احادیث غدیر را در دو مجلد گردآوری کرده) و ابن کثیر (که چهل یا بیشتر از چهل طریق آن را نقل کرده است)، دو نفر دیگر از دانشمندان اهل حدیث نیز به این کار همت گماشته اند:

۱. ابن عقده (م ۳۳۳ ق) که یکصد و پنجاه طریق برای حدیث غدیر، جمع آوری کرده است.
۲. ابوبکر جعابی (م ۳۵۵ ق) که او نیز یکصد و پنجاه طریق برای حدیث غدیر، گردآوری نموده است.

پر واضح است که یک دهم این اسناد، می تواند تواتر حدیث را ثابت کند. و از این جا می فهمیم کسانی که این حدیث (با این شهرت و کثرت سند) را نقل نکرده اند (مانند صاحبان صحاح سته اهل سنت)، در حقیقت، راه و روش یهود را پیموده اند که خدای متعال درباره آنان فرموده است:

وإن فریقاً منهم لیکتمون الحقّ و هم یعلمون.<sup>۱۷</sup>

اما آفتاب، برای همیشه در پس ابر نمی ماند!

در پایان از خدای غفار برای روح استاد و محقق ارجمند، مرحوم آیه الله روحانی، طلب رحمت و مغفرت می نمایم.